

# ساخت نمادهای شهری در شهرهای ساحلی؛ لازمه فقر زدایی از چهره این مناطق و توسعه گردشگری ساحلی

محمد مونسان (عضو هیات علمی دانشکده مهندسی معماری دریایی دانشگاه صنعتی مالک اشتر)

<https://www.isna.ir/news/97031306337/%D8%AA%D8%A7%D8%AB%DB%8C%D8%B1-%D9%86%D9%85%D8%A7%D8%AF%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%B4%D9%87%D8%B1%DB%8C-%D8%A8%D8%B1-%D9%82%D8%AF%D8%B1%D8%AA%D9%85%D9%86%D8%AF-%D8%B4%D8%AF%D9%86-%D8%A8%D8%B1%D9%86%D8%AF-%D8%B4%D9%87%D8%B1%DB%8C>



## □ به نظر جنابعالی شهرهای ساحلی چرا باید دارای منظری شایسته و نماد فاخر شهری باشند؟

تقریباً همه شهرهای بزرگ ایران دارای یک "نماد شهری" هستند که مسافران و گردشگران در مقابل آنها عکس یادگاری می‌گیرند و در واقع این نمادها، شناسنامه این شهرها بوده و سوژه عکس‌های یادگاری هستند. ولی متأسفانه هیچ‌یک از شهرهای ساحلی شمال و جنوب ایران دارای "نماد شهری" که یک جاذبه گردشگری محسوب شود، نیستند. الان کسی که به گیلان و گلستان و بابل و خرمشهر و بوشهر و بندرعباس و چابهار سفر میکنند برای تمایز سفر به این شهرها از چه نمادی باید عکسبرداری کنند؟ عدم توجه به ساخت سازه‌های مجلل در شهرهای ساحلی بخصوص در جنوب کشور، باعث شده است که اغلب این شهرها بخصوص در جنوب کشور، باعث شده است که اغلب این شهرها داشته است از جمله اینکه نه تنها در مقایسه با سایر شهرها، در جذب گردشگر موفق نبودند بلکه بسیاری از شاغلین و مهندسين غیربومی در این مناطق، حاضر به سکونت با خانواده در این مناطق نیستند و بصورت پروازی رفت و آمد می‌کنند. چرا؟ چون محیط این شهرها را بدون جاذبه های لازم می‌دانند به گونه ای که خانواده‌های غیربومی رغبتی برای زندگی در آنجا ندارند. ساخت یک نماد شهری بلند و مجلل مثلاً ۱۰۰ متری می‌تواند به مرکز یک مجموعه گردشگری بزرگ تبدیل شود و کل چهره شهر را تغییر دهد. الان در همه شهرهای معروف ساحلی و غیرساحلی دنیا یک نماد شهری عظیم و معروف وجود دارد که در اطراف آن چند هکتار زمین برای اهداف گردشگری اختصاص داده شده و امکانات گردشگری متعددی بصورت مجتمع در اطراف این نماد شهری گردآوری شده‌اند به گونه‌ای که زمان تفریحات یک هفته‌ای مسافران و

گردشگران را بطور کامل پر می‌کند. امکاناتی مانند موزه‌های مختلف، نمایشگاه‌های فصلی و غیرفصلی، استخرهای شنا، آکواریوم، نمایش دلفین‌ها (دلفیناریوم)، سینما و آمفی تاتر و سالن‌های مراسم و کنفرانس، زمین‌های ورزشی، کافه‌ها و رستورانهای متعدد، فضای سبز گسترده و شهرسازی مدرن و پارک کودکان، مراکز تجاری و خرید و غیره. همچنین در داخل خود نمادهای شهری و قسمت‌های فوقانی آن معمولا امکان استقرار افراد وجود دارد به گونه‌ای که افراد میتوانند از یک ارتفاع بلند، منظره جذابی از دریا و شهر را تماشا کنند. در واقع مزیت عمده دیگر یک نماد شهری این است که علاوه بر ایجاد یک شناسنامه برای یک شهر یا کشور، تبدیل به یک مرکز جذاب گردشگری می‌گردد. نمونه آن در ایران مثلا برج میلاد است. در کشورهای حوزه خلیج فارس هم نمادهای معروف و مجللی مانند برج العرب، برج خلیفه و بسیاری نمادهای دیگر وجود دارد. البته منظور از نماد شهری صرفا یک برج نیست بلکه میتواند شکل و شمایل‌های متنوعی داشته باشد مانند سالن اپرای استرالیا، سازه اتومیوم بلژیک، مجسمه مسیح ریودوژانیرو برزیل و مجسمه آزادی آمریکا. متاسفانه در ۵۸۰۰ کیلومتر سواحل ایران و وجود ده‌ها شهر بزرگ و پرجمعیت، حتی یک نماد شهری معروف وجود ندارد. نه تنها یک نماد شهری فاخر و مرتفع وجود ندارد بلکه شما حتی یک ساختمان معمولی بالای ۵۰ متر در هیچ شهر ساحلی پیدا نمی‌کنید. این واقعا جای تاثر و تعجب است.



□ به نظر شما محتوا و موضوع نماد شهرهای ساحلی بایستی چگونه باشد؟

یک نماد شهری باید تا جای ممکن متناسب با فرهنگ یک منطقه و دارای یک معنی و نماد خاصی در ذات خود باشد. میتوان با انجام یک فراخوان عمومی و مشخص کردن حداقل توقعات (مثلا حداقل ارتفاع ۱۰۰ متر و امکان استقرار امکانات تفریحی و حضور افراد در بالای این نماد)، تعداد زیادی طرح و ایده را جمع آوری کرده و از بین آنها بهترین طرح را برگزید. پنج مشخصه از مهمترین خصوصیات یک نماد فاخر شهری را میتوان بصورت زیر برشمرد: (۱) بلند و عظیم باشد به گونه ای که از فاصله چند کیلومتری قابل رویت باشد. (۲) دارای شکل و شمایل منحصر بفرد در ایران و دنیا باشد (۳) ترجیحا نمادی از فرهنگ بومی منطقه

باشد. ۳) مجاور دریا باشد یا در محل مرتفعی که اشراف به دریا یا شهر داشته باشد. ۴) دارای محوطه باز اطراف برای تجمع امکانات گردشگری باشد. در اینصورت میتوان مزایای زیر را برای استقرار یک نماد شهری در یک شهر برشمرد: ۱) ایجاد شناسنامه مشخصه و منحصر بفرد برای یک شهر یا کشور ۲) ایجاد جاذبه گردشگری ۳) افزایش قابل ملاحظه درآمد شهری با ایجاد مجموعه گردشگری و واحدهای تجاری و خدماتی متعدد و گسترده ۴) ایجاد سوژه عکسبرداری - تبلیغ نام یک شهر یا کشور ۵) ایجاد محوطه باز گردشگری در اطراف نماد و ایجاد مرکزیت گردشگری ۶) استقرار امکانات گردشگری بر فراز نماد و دید از بالا بر روی شهر ۷) امکان استقرار امکانات مخابراتی بر روی نماد ۸) ایجاد نماد خودباوری و دانش و توانایی مهندسی ۹) محل برگزاری مراسمات محلی و ملی (و بین المللی).

### □ پس بنابراین هیچ شهر ساحلی فعلا برنامه‌ای برای ایجاد نماد شهری ندارد؟

خوشبختانه پس از سالها نوشتن مطلب در این زمینه و اطلاع رسانی و آگاه‌سازی، اخیرا من در خبرها خواندم که شهرداری بندرعباس اعلام کرده که قصد دارد یک نماد شهری مرتفع ۱۰۰ متری با بودجه ۳۰ میلیارد تومانی ایجاد کند. اگر شهرداری بندرعباس بتواند این کار را انجام دهد و یک نماد شهری مرتفع و فاخر را ساخته و تبدیل به یک مرکز گردشگری متمرکز، مدرن و زیبا کند، قطعاً یک الگوی موفق برای سایر شهرهای ساحلی ایجاد خواهد کرد و آنها هم در سالهای آتی دستبکار خواهند شد. در صورت ایجاد چنین مجموعه‌ای، قطعاً شاهد حضور بیشتر مردم ایران در تعطیلات زمستانه و تعطیلات نوروز در بندرعباس خواهیم بود که هم درآمد مردم و هم درآمد شهرداری را در میان مدت افزایش چشمگیری خواهد داد. برای شهر بوشهر که پایتخت انرژی ایران لقب گرفته نیز یک نماد شهری به نام «برج مشعل» شبیه به مشعل (برگرفته از آرم شرکت ملی گاز) به ارتفاع ۱۳۰ متر به کمک یک شرکت طراح معماری پیشنهاد دادیم که دارای طبقات متعدد برای کاربردهای تفریحی بوده و دارای سازه عمدتاً فلزی و سبک است که امیدوارم مورد استقبال شهرداری و فرمانداری بوشهر قرار گیرد. البته این صرفاً یک پیشنهاد اولیه است و مهم نیست که این نماد باشد یا هر شکل دیگری. مهم اینست که این فرهنگ ساخت نمادهای شهری در شهرهای ساحلی ما نهادینه شده و نمادهایی فاخر و مجلل، در شان ملت بزرگ ایران ساخته شوند. حتی ساخت چنین نمادهای شهری فاخری ممکن است چند سال بطول بینجامد ولی مهم اینست که در خلال کارها و هزینه‌های جاری در شهرداری‌ها و استانداری‌ها و فرمانداری‌ها، یک کار ماندگار نیز ایجاد میگردد.



برج مشعل به عنوان یک پیشنهادی برای یک نماد شهری فاخر

## □ منظر شهرهای ساحلی ایران در مقایسه با شهرهای ساحلی در دیگر نقاط جهان چگونه است؟

متأسفانه فعلا باید اقرار کرد که چهره اغلب شهرهای ساحلی جنوبی ما فقیرانه، با معماری نامنظم، غیر جذاب، نامناسب و با حداقل امکانات تفریحی است که حتی جوابگوی سفرهای نوروزی هم نیستند. با تصویب تعطیلات زمستانه در ایران که از امسال اجرا می-شود، قطعاً باید روی زیرساختهای مناطق ساحلی بخصوص در جنوب کشور بیشتر کار کرد چراکه در تعطیلات زمستانه، هدف اصلی سفر ایرانیان، مناطق گرم جنوبی خواهد بود. اگر مسئولین استانی مناطق جنوبی کشور زودتر اقدام به سرمایه‌گذاری کنند قطعاً تعطیلات زمستانه ایران میتواند درآمد و چهره این شهرها را دگرگون کند.



تصاویری تاسف انگیز از نحوه پذیرایی از میهمانان نوروزی در شهرهای ساحلی جنوب که نشان از عقب افتادگی حاد در زمینه گردشگری ساحلی دارد- نوروز ۱۳۹۷

## □ به نظر شما علت این عقب افتادگی چیست؟ مشکلات مالی هست؟

البته که مشکلات مالی علت اصلی نیست. یعنی در ۲۰-۲۵ سال گذشته که کشورهای بیانیان حاشیه خلیج فارس تبدیل به مرکز گردشگری دنیا شدند، آیا درآمد ما با اینهمه ذخایر نفت و گاز و معادن، کمتر از کشورهای مینیاتوری همسایه بوده است؟ قطعاً نه. هزینه اجرای چنین طرح هایی که قاندا ظرف چند سال باید اجرا شوند در مقابل هزینه‌های جاری شهری چیزی نیست. مشکل اینجاست که اصلا فکر مدیران گردشگری و استانی ما در ۴۰ سال گذشته بسیار قدیمی و کهنه و کسالت بار بوده و صرفاً معطوف به امور روزمره بوده و دارای فکرهای مدرن، تحول ساز و فاخر نبوده‌اند. یک ایراد مسلمی که در دیدگاه مدیران گردشگری و بخصوص گردشگری ساحلی وجود داشته و متأسفانه هنوز هم وجود دارد اینست که برای رونق گردشگری دریایی و توسعه مناطق ساحلی صرفاً بر دو چیز تکیه داشته‌اند: ۱- آثار باستانی و قدیمی ۲- طبیعت زیبا. این جاذبه‌ها مهم هستند ولی آیا صرفاً تکیه بر طبیعت خدادادی و آثاری که اجداد و نیاکان ما ساختند کافیه؟! پس وظیفه ما چیست؟ آیا این نشانی از تنبلی، کوله فکری و رفع تکلیف و آسوده طلبی مدیران ما نیست؟ آیا این رفاه طلبی و بی‌فکری مفرط از جانب برخی مدیران گردشگری ایران نبوده که با این بهانه‌ها خود را از تلاش بیشتر معاف کنند؟ این کوله فکری‌ها باعث شده که ثروتهای سرشار نفت و گاز هدر برود و بجای اینکه صرف ساخت سازه‌های فاخر مهندسی شوند که نمادی از دانش مهندسی و غرور ایرانی‌ها باشد، صرف امور جاری شدند. متأسفانه ما همیشه بیش از آنکه از کمبود منابع مالی و ضعف توانایی‌های مهندسی رنج

بیریم از نگاه کوتاه و فکرهای ضعیف مدیرانمان رنج برده ایم و نتیجه آن همین شده است که ایرانی‌ها برای دیدن "برج و بارو" هجوم می‌برند به کشورهای همسایه. اولویت ما در حوزه گردشگری بجای جذب توریست خارجی باید جذب گردشگر ایرانی باشد. چه بخواهیم و چه نخواهیم، برای یک خانواده ایرانی، بازدید از ساختمان‌ها و مراکز تجاری و تفریحی مجلل و زیبا، بیشتر از آثار باستانی و طبیعت‌گردی اهمیت دارد. البته خانواده‌ها و گروه‌هایی هم هستند که علاقه‌مند به تورهای طبیعت‌گردی هستند ولی روحیات امروز اکثریت خانواده‌های ایرانی اینطور نیست. خانواده‌های ایرانی‌ها سالی ۷ میلیارد دلار (بیش از ۳۰ هزار میلیارد تومان) برای سفرهای خارجی هزینه می‌کنند که اگر فقط یک سوم از این مبلغ توسط شهرهای ساحلی خود ایران جذب شود، مبلغ هنگفتی معادل ۱۰ هزار میلیارد تومان خواهد شد که می‌تواند تحول عظیمی در این مناطق ایجاد کند. برای جذب این سرمایه باید ابتدا سرمایه‌گذاری کرد.

## و سخن آخر...

واقعا برای توسعه سواحل و گردشگری ساحلی صرفا نباید منتظر بودجه دولتی ماند. ایران کشوری است که کل بودجه عمرانی آن ۶۰ هزار میلیارد تومان است درحالی‌که سالیانه حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان سوبسید سوخت و انرژی داده میشود تا ایرانیان ثروت چند میلیون ساله خود را براحتی دود کنند و مصرف سرانه انرژی هر ایرانی ۵ برابر متوسط جهانی باشد! مشکل دیگر دولت اینست که نه خود پولی برای خرج کردن دارد و نه مدیرانی دارد که بتوانند سرمایه‌های کوچک و متوسط مردم را به کارهای عمرانی بکشانند. موضوع گردشگری دقیقا از زمینه‌هایی است که میتوان سرمایه‌های کوچک سرگردان مردم را جمع‌آوری و به سمت سرمایه‌گذاری و تولید هدایت کرد. فراموش نکنیم که نقدینگی امروز جامعه ما عدد شگفت‌انگیز ۱۳۰۰ هزار میلیارد تومان است (مقایسه کنید با بودجه عمرانی ۶۰ هزار میلیارد تومانی!). یعنی پول به حد کافی در کف جامعه موجود هست ولی کسی نیست که آنها را به سمت تولید و اشتغال حرکت دهد. مدیران دولتی میتوانند با طراحی یک مجموعه عظیم گردشگری با صدها واحد خدماتی و تجاری و تفریحی کوچکتر، اجزای آن را به مردم عادی پیش فروش کنند و سرمایه جمع‌آوری شده از دست مردم را با تضمین دولتی به یک پیمانکار خصوصی بسپارند تا مجموعه را تکمیل کرده و واحدها را به مردم واگذار کنند. شبیه طرحی که در پدیده شاندیز مشهد وجود داشت که هزاران نفر از مردم سهامدار این مجموعه تفریحی-تجاری بزرگ شدند ولی بدلیل عدم نظارت دولت، به سرنوشت نامناسبی دچار شد. اگر دولت طرح‌های مشابه را در شهرهای ساحلی اجرا کند (ولی با ضمانت مطمئن دولتی)، قطعا سرمایه‌های سرگردان بسیاری از دست مردم جمع‌آوری شده و به سمت تولید و اشتغالزایی هدایت می‌گردد. این همان مفهوم مقدس "تعاون" است که کمک میکند تا سرمایه‌های کوچک مردم نیز رشد کنند و درآمدزایی داشته باشند. حقیقتا نمیتوان انتظار داشت با بودجه دولتی شاهد تحولات باشیم. تنها گره کور، مدیران دولتی هستند که با «فکرهای کوچک» و «دل‌های ترسان»، جلوی بلندپروازیه‌ها و جاه‌طلبی‌های عمرانی که لازمه رشد و تعالی هر کشوری است را گرفته و خود را محدود به گذران امور روزمره و تکراری کرده اند. این مدیران نه خود تحولی ایجاد میکنند، نه زمینه را برای ورود سرمایه‌های کوچک مردم فراهم میکنند و نه به سرمایه‌گذاران بزرگ فرصت خودنمایی میدهند. خوشبختانه در سالهای اخیر مدیران گردشگری کشور پویاتر از گذشته و دارای تفکر مهندسی هستند. باید با آموزش این مدیران، به رشد و تعالی فکری آنها کمک کرد. یک سری سوالات همیشگی در زمینه رونق مناطق ساحلی جنوب ایران و گردشگری دریایی این بوده است که چرا مناطق ساحلی ما با کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس اینقدر متفاوت است؟ چرا شهرهای جنوبی ما اینقدر چهره فقیرانه‌ای دارند؟ چرا ایرانیان هر سال میلیاردها دلار صرف سفرهای تفریحی به این کشورها می‌کنند؟ چرا در ۵۸۰۰ کیلومتر سواحل ایران حتی یک ساختمان بالای ۵۰ متر وجود ندارد؟ یک سازه فاخر مهندسی که هم مرتفع و عظیم باشد و هم نمادی از دانش مهندسی ایرانی، وجود ندارد؟ در مقابل صدها سازه و ساختمان مجلل و عظیم بالای ۱۰۰ متر که چهره کشورهای بیابانی عرب را تبدیل به مرکز گردشگری دنیا نموده است ما چه اقداماتی کرده‌ایم؟ آیا ما دانش مهندسی و توانایی ساخت این سازه‌ها را نداریم؟ آیا بودجه و توانایی مالی ما ظرف ۳۰ سال گذشته ضعیفتر از اعراب بوده است؟ آیا بخش خصوصی ما ناتوان بوده؟

یا اینکه دورنمای فکری ما کوتاه بوده و بودجه‌های سالیانه کشور صرف امور روزمره و جاری شده است؟ در حالیکه اعراب توانستند پول نفت را برای تبدیل کردن بیابان برهوت به شهرهای مجلل بکارگیرند و برای قرن‌ها درآمد توریستی تضمین شده برای خود ایجاد کنند. امروزه در کشورهای مینیاتوری و کوچکی مثل بحرین و قطر و کویت و امارات، شیکترین و مجلل‌ترین شهرهای ساحلی وجود دارند که سالیانه ده‌ها میلیارد دلار جذب گردشگر دارند از جمله خود ایرانیان که مبالغ هنگفتی را هر سال صرف این سفرها می‌کنند. انشاء الله روزی برسد که دلارهای ایرانیان بجای رونق کشورهای همسایه، صرف رونق شهرهای ساحلی خودمان شود.